

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضاء در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب..... با شماره داوطلبی..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره
صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه
سؤالات، نوع و کدکنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه را تأیید می‌نمایم.

امضاء:

- ۱- «خیمه، هراس، اصل هر چیز، خنجر» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟
(۱) دژ، هرا، مقیاس، درع
(۲) عرش، رعب، ملاک، دشنه
(۳) سریر، مهیب، معیار، تیغ
(۴) شرع، دمان، سنجش، سنان
- ۲- معنی همه واژه‌ها در مقابل آن‌ها درست آمده است؛ به جز:
(۱) (صنف: گونه) (شایق: درخور) (گیوه: پای افزار)
(۲) (رایت: درفش) (سست عنصر: بی‌غیرت) (فایق: پیروز)
(۳) (کافی: دانای کار) (شائبه: شک و گمان) (تمکن: ثروت)
(۴) (چابک: تند و فرز) (فراخ‌تر: راحت‌تر) (تعبیه کردن: قرار دادن)
- ۳- کدام گزینه، می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیشتری از واژه‌های زیر باشد؟
«ارتفاع، محظور، هویدا، واتر قیدن، کریت، حریف»
(۱) بهره‌ور، مانع، روشن، تحریر
(۲) عایدات مملکت، بهره‌ور، آشکار، غم
(۳) مانع، آشکار، پس‌روی کردن، همراه
(۴) زمین‌های زراعتی، گرفتاری، اندوه، همد
- ۴- در کدام عبارات، «غلط املائی» وجود دارد؟
الف) اسراف آن باشد که برخلاف رضای حق و در حفظ نفس خرج کند.
ب) اعراض، روی از خدای گردانیدن است و به هوا مشغول شدن.
ج) غرور، جاه و مال و فریفته شدن و صراط و صواب و ترازو را فراموش کردن است.
د) در حفظ مال و ملک رعیت کوشند و در امارت و زراعت جدّ بلیغ نمایند.
(۱) الف، د (۲) ب، د (۳) ب، ج (۴) ج، د
- ۵- در میان واژه‌های داده شده، املا و رسم‌الخط چند واژه درست است؟
«مخدول و زبون گردیده، تشییع و بدرقه، شیر و آقوز، ضمیمه و پیوست، مخنقه و قلاده، مظغ و جویدن، عنبان و مشک، لطیفه‌گویی و دلقکی، مسحور و مفظون، محوطه و سحن، راحت و مرفح، مخمصه و تنگنا، لثیمی و فرومایه‌گی، سیاره ذحل و مریخ»
(۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت
- ۶- در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟
«پس تأثیر عنایت ازلی او را در کار بندگی هر ساعت مجدّتر می‌گرداند و شوق عشق او به غایت‌تر می‌رساند و او به قلبات شوق و رقبات ذوق در کثرت مجاهده و جودت معامله می‌افزاید و آن شجره عبودیت هر روز طراوتی دیگر می‌گیرد.»
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۷- ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟
الف) اولاً تجرید شو از هر چه هست
ب) سرو و مهت نخوانم خوانم، چرا نخوانم؟
(۱) سلمان ساوجی، خاقانی
(۲) محمد تقی بهار، منوچهری
(۳) هاتف اصفهانی، بیدل دهلوی
(۴) اسیری لاهیجی، فرخی سیستانی
- ۸- آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حسن تعلیل و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟
الف) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم
ب) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد
ج) دو اسبه بیک نظر می‌دوانم از چپ و راست
د) به غمزه گر نربودی دل همه عالم
(۱) الف، د، ب، ج (۲) الف، ج، د، ب (۳) ج، د، ب، الف (۴) ج، ب، د، الف
- لباس حسن تو دیدم به قد هر یک راست
ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست
به جستجوی نگاری که نور دیده ماست
ز عشق تو دل جمله جهان چرا شیدااست

- ۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:
- (۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام
 (۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد
 (۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل
 (۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی
- ۱۰- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟
 «ز مهر روی او عمری است تا دم می‌زنی «سلمان»
 (۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه
 (۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
 (۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی
 (۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص
- ۱۱- در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟
 «می‌ساختم چو بربط و می‌سوختم چو عود
 (۱) دو - دو (۲) سه - سه
 (۳) یک - دو (۴) دو - سه
- ۱۲- اجزای تشکیل‌دهنده همه جمله‌ها در مقابل آن‌ها، «کاملاً» درست است؛ به جز:
- (۱) دانشجویان تازه وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل)
 (۲) از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل)
 (۳) این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
 (۴) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد - مفعول + مسند + فعل)
- ۱۳- «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیشتر است؟
 (۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد
 (۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد
 (۳) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
 (۴) حسن مه رویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین
- ۱۴- در کدام گزینه، دو نوع وابسته وابسته دیده می‌شود؟
 الف) به چشم اشکبار من چه خواهد کرد حیرانم
 ب) مجوی عیش خوش از دور باژگون سپهر
 ج) خنده جام می و زلف گره‌گیر نگار
 د) خط به گرد لب جانبخش تو می‌دانی چیست؟
 (۱) الف، ب (۲) الف، د
 (۳) ب، ج (۴) ب، د
- ۱۵- در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟
 «گریه تلخ است چون گل حاصلش از زندگی
 (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد
 (۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند
 (۳) مسند، متمم، مفعول، نهاد
 (۴) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، بدل
- ۱۶- با توجه به ابیات زیر، کدام مورد از دیدگاه زبان فارسی «غلط» است؟
 «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد
 به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز
 (۱) در کل ابیات چهار مفعول وجود دارد.
 (۲) دو جمله غیر ساده در ابیات یافت می‌شود.
 (۳) اجزای مصراع سوم «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.
 (۴) ابیات فاقد ترکیب وصفی و دارای سه ترکیب اضافی است.
- ۱۷- مفهوم کدام بیت، متفاوت است؟
 (۱) قامت پیری ز حرصت شد کمینگاه امل
 (۲) حرص و یک عالم فضولی خواه طاقت خواه عجز
 (۳) دو بالا می‌شود طول امل چون قد دو تا گردد
 (۴) پیش راه حرص پیری چوب نتواند گذاشت
- ور نه من ازادم از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)
 تو نیز به کشتنم میان درستی (مجاز، کنایه)
 همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)
 چین در خم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟ (حسن تعلیل، جناس)
- به مهرش صادقی چون صبح از آن مشهور آفاقی»
 (۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
 (۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص
- زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»
 (۳) یک - دو (۴) دو - سه
- دفت‌ر نس‌رین و گل را زینت اوراق بود
 دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود
 دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود
 بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود
- که آتش را به چشم آن روی تابان آب گرداند
 که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است
 ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست
 ظلماتی که از آن چشمه حیوان سر زد
- عمر خود هرکس که صرف شادمانی کرده است»
 (۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند
 (۴) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، بدل
- دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست
 وگرنه سیل چو بگرفت سد نشاید بست»
- ور نه خم گردیدنت بر هر دو عالم پشت پاست
 جز جوانی‌ها از این بی‌پیر نتوان یافتن
 که مار از امتداد روزگاران ازدها گردد
 بیشتر دست طمع کار از عصا گردد بلند

۱۸- همه ابیات با بیت زیر، تناسب مفهومی دارند؛ به جز:

«من و مقام رضا بعد از این و شکر رقیب
 (۱) هر که روزی بی‌رضایش چهره زبانش دید
 (۲) در خرابیات رضا نشو و نما یافت‌هام
 (۳) مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد
 (۴) صبر و تحمل است و رضا چاره با قضا
 کدام بیت، با بیت زیر «تقابل» مفهومی دارد؟

۱۹- «رزق هر چند بی‌گمان برسد
 (۱) قانع از رزق پریشان با دل صد پاره شو
 (۲) گرچه از آتش زبانی شمع این‌که محفلم
 (۳) دخل و خرج خویش را چون مه برابر هر که کرد
 (۴) دست بیعت با تو گل داده‌ام روز ازل
 کدام بیت، مفهومی نظیر بیت زیر را دارد؟

۲۰- «در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست
 (۱) یار اگر جلوه کند دادن جان این همه نیست
 (۲) جذبۀ عشق کشانید به کیشی ما را
 (۳) عشق بازی چیست سر در پای جانان باختن
 (۴) گر گریزد عاشق از زاهد عجب نبود که نیست
 مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

۲۱- (۱) دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد
 (۲) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست
 (۳) به عشق روی تو روزی که از جهان بروم
 (۴) باشد غم هجر تو به خونابه بر آن نقش
 بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

۲۲- «عشق و درویشی و انگشت نمایی و ملامت
 (۱) زبان خامه ندارد سر بیان فراق
 (۲) به پیش شمع اگر پروانه سوزد نیست دشواریش
 (۳) دامنی دارم پر از خون چون نگفتم شکر وصل
 (۴) شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
 مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟

۲۳- (۱) کرسی چه حاجت آن را کز عرش برگزیده است
 (۲) منشور رستگاری است طومار خود حسابان
 (۳) چون رنگ می ز مینا بیرون دوید باید
 (۴) نوش دکان هستی آمیخته است با نیش
 بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

۲۴- «مگر به تیغ اجل خیمه برکنم ورنه
 (۱) اگر پیش از اجل یک دم بمیری
 (۲) با چنین عمری که ما بر حال خود درمانده‌ایم
 (۳) تا نزنند بر سرم دست اجل آستین
 (۴) زندگی از وصل اوست و ز غم او چاره نیست
 بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

۲۵- «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
 (۱) سر به جیب فکر بر تا از فلک بیرون شوی
 (۲) آسیای فلک از بهر تو سرگردان است
 (۳) پیچیدن سر پنجه من کار فلک نیست
 (۴) آسمان است تو را ضامن روزی و ز حرص

که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت
 بی‌خلاف از وی برآرد داغ بی‌صبری دمار
 درد میخانه قسمت می سرجوش من است
 ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست
 تدبیر این قضیه برون زین سه چار نیست

شرط عقل است جستن از درها
 روزی آماده می‌خواهی برو غمخوار شو
 نیست رزقی جز سر انگشت پشیمانی مرا
 کم نگرده روزی‌اش هرگز ز خوان آفتاب
 از برای رزق کوشیدن نمی‌آید ز من

با جان بودن به عشق در سامان نیست
 عشق اگر خیمه زند ملک جهان این همه نیست
 که ز هفتاد و دو ملت همه بیزار شدیم
 با سر اندر کوی دلبر عشق نتوان باختن
 الفتی با یک‌دگر دیوانه و فرزانه را

چو لاله داغ هوایی که بر جگر دارد
 بنفشه زار شود تربتم چو در گذرم
 ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه
 گر از سر خاکم بدمد برگ گیاهی

همه سهل است تحمل نکنم بار جدایی
 وگرنه شرح دهم با تو داستان فراق
 چه باک از سوختن او را که بر بالین بود یارش
 در کنار خویشتن دیدم سزای خویش را
 فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

از زیر پای منصور کرسی کشید باید (فناء فی الله)
 در روزنامه خود هر روز دید باید (حاسبوا قبل ان تحاسبوا)
 نه پرده فلک را از هم درید باید (کل اناء یترشح بمافیة)
 چون خنده‌ای دهد رو لب را گزید باید (الدهر یومان یوم لک و یوم علیک)

رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است
 در آن یک دم دو عالم را بگیری
 کس نمی‌داند چه می‌خواهد اجل از جان ما
 کیست که برگیردم روی از این آستان
 گر بکشد گو بکش پیش از اجل کس نمرد

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
 بر کمی زن تا چو ماه عید روز افزون شوی
 تو ز اندیشه روزی چه پریشان شده‌ای؟
 کز دهشت من پنجه هم زور شود خشک
 رزق خود را تو ز هر در چو گدا می‌طلبی